

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۲۵۳

بازرسی شد
۸۸ - ۱۹

۸۶۸۹
۱۸۵۹


کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجموعه قواعد و مسائل (نسخه قدیم) در بیان طریقه و مبادی
 مؤلف و فاضل دانشمند (مستوفی) و حاصل اول و ثانیه قاری
 موضوع الحاق در کتب و کتب دیگر
 ۱۲۵۵

شماره ثبت کتاب

۷۹۰۰۵

۱۱۹۲۰



خطی «نورث شده»
۱۲۵۲

پی.ت

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

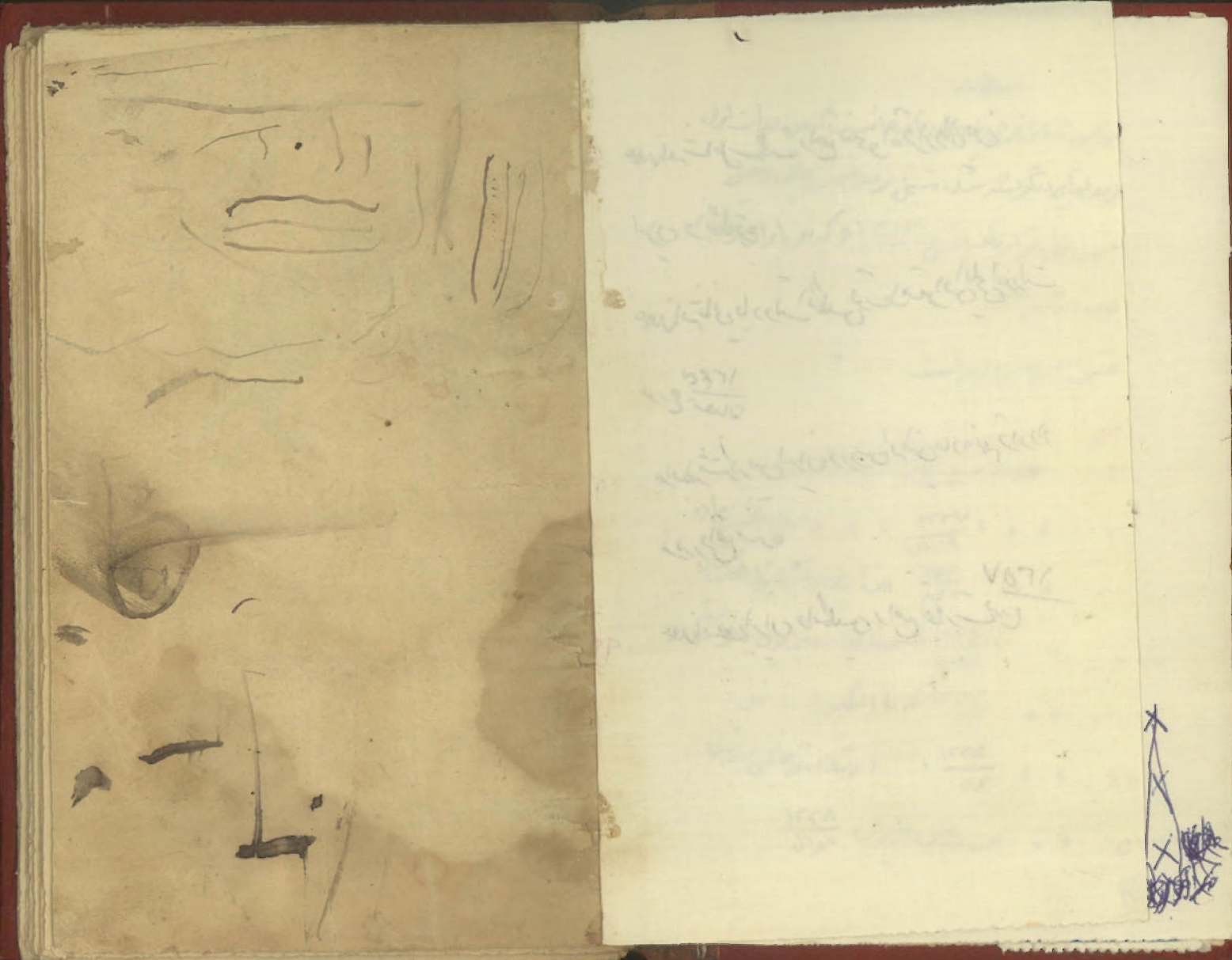
بازدید شد
۱۳۸۱

۸۶۸۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجموعه قرآن و روایات (تألیف: علامه محمد باقر مجلسی)
مؤلف: علامه محمد باقر مجلسی
موضوع: علوم قرآنی و روایات
۱۲۵۲

خطی «فهرست شده»
۱۲۵۲



Handwritten text in Arabic script, likely a list or record of items.

5971
3-100

Handwritten text in Arabic script, possibly a description or note.

Handwritten text in Arabic script, possibly a description or note.

Handwritten text in Arabic script, possibly a description or note.

Handwritten text in Arabic script, possibly a description or note.





سواد قرائن و تفاسیر کتب فہما بین
 دولین علمین بران و ایدہ مشہور
 عرض از ترقیم و تخریش این کلمات خجسته
 دلالات آنکہ از ندائی باین طرف چون فہمائید
 سلطنت جاوید آیت ستیہ و در

در

مدت علیہ ابدی لدوام بادولت علیہ عثمانی
 ی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع
 زینتہ بود بر مقتضای استیام اساس دہجہ
 و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جہت جامعہ
 اسلامیہ کہ میان دولیتین علیتین در کار و
 کار سیلہ کہ طرفین علیتین بدان متصف
 باشند با سویہ انیکونہ مواد نزاعیہ را بر جو
 حق و مناسب قیامت شان و علینستین
 بنیان صلح و مسالمت و تشدید

ارکان موالات و مودت از جانب دوستین
 علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برپای
 تنظیم و مذاکره مواد عارضیه و تحریر و تطبیق
 اسناد و مقتضیه بر حسب فرمان همایون علیحدت
 قدر قدرت کیوان شمت مملکت مدار ملک کبر
 آرایش تاج و سریر جلال الاسلام و المسلمین
 جلال الدین و الدین غیاث الحق و الیقین
 قهرمان المآ و الطین ظل الله و وفی الایمن
 حافظ حوزه مسلمانی داود جمشید جاوید ارباب

دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زریب نجش
 تحت کیان افتخار ملوک جهان حسد یودریا
 دل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان
 ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان محمد شاه
 ادام الله تعالی ایام سلطنته فی فلک الاجلال
 وزیرین فلک و تدره بمصباح کواکب الاجلال
 بنده درگاه آسمان جاوید میرزا محمد تقی خان
 وزیر عساکر منصوره نظام و غیر نظام که
 حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول است

و حمایل افتخار خاص بنزاست بوکالت
 مخصوص و مباہی کشته و نیز از طرف علی حضرت
 کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر ف
 شہر یاری پادشاه اسلام پناہ سلطان
 و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین و انکه
 و الشہامہ السلطان ابن السلطان ابن السلطان
 عبد المجید خان جناب مجد تآب غرضاب
 انوری زاده استبد محمد انوری سعد مدد
 کہ از اعظم رجال دولت عثمانیہ و حاکم

لوز

صف اول از رتبہ اولی و حامل نشان بن رتبہ
 مرض و عتیسن شدہ بروجاصول عادیه بعد از
 نشان دادن و ملاحظہ و مباہولہ و کالت ہمکا
 مبارکہ انتقاد معاہدہ مبارکہ و ضمن نہ فقرہ
 ایتمہ قرار داد شدہ کہ دیرین کتاب مستطاب
 بیان و در مجلس منعقدہ ارز نہ الروم مباہولہ
 میشود فقہرہ اولی دولتین اسلام
 قرار میدہند کہ مطلوبات نقدیہ طرفین را
 کہ تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلمات

کنند و لکن باین قرار بقا و لات تسویه مخصوصه
 مندرجه در فقره چهارم حمله نیاید و فقره
 حقوق دیگر دولت ایران تقدیم میکنند که
 جمیع اراضی بیطه ولایت زهاب یعنی
 اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمانی ترک
 کنند و دولت عثمانی نیز تقدیم میکنند که جانب
 شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی حلب
 آنرا مع دره که بدولت ایران ترک کنند
 و دولت ایران قویا تقدیم میکنند که در حق

دولت ایران

و ولایت سلیمانیه از بحر کوه ادا عاصرف نظر
 کرده بحق متعلقه که دولت عثمانیه در ولایت
 مذکور دارد و قیاسا من الاوقات یکطور دخل
 و تعرض نماید و دولت عثمانیه نیز قویا تقدیم
 میکنند که شهر و بندر محرمه و جزیره الحضره
 لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی
 جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر
 متعلقه معروفه ایران است بملکیت در تصرف
 دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند

داشت که کشتیهای ایران باز ادعی تمام
از محلی که بجز منصب میشود تا موضع اتقی
حدود طرفین در رتبه کوراء بدو رفت نمایند
سپهر متعاقبتین تعهد میکنند که با
معا هده حاضره سا براد عا شازاد قتل
ترک کرده از دو جانب بلا تاخیر رسیدن
و مامورین را تعین نموده برای اینکه مطابقت
داده سابقه حدود و مابین دو استین را قطع
نماید چنانچه هر طرفین قرار داده اند

خدا

که خسار اینکه بعد از قبول اخبارات و دستا
و دولت بزرگ واسطه که در شهر جادی لاله
است تا تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شد
و هم رسومات مراعی ارسالی که تاخیر افتاد
برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول
و احقاق شود از دو جانب بلا تاخیر رسیدن
تعین نمایند فخر که چنانچه دولت
عثمانی و عهد میکند که شاهنشاهی و کان فرار
ایران را در بر سا اقامت داده و غیبت آنها را

از محل مذکور و مراد و مخفیته آنها را بایران
 نهد و از طرف دولتیست بقدر میشود که
 سایر فراری موجب معاذه سابقه از ابروم
 عموماً در شون فخر و ششم تجارت ایران
 رسم مکرر اموال تجارت خود را موافق قیمت
 حایله و جاریه اموال مذکوره نفت یا جنس
 بوجهی که در عهدنامه منعقد شده از زنه ابروم
 در ۱۳۳۱ در ماده ششم که دایر تجارت است
 مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه

مذکوره تعیین شده زیاده و جهی مطابقت نشود
 و فسخ و بقیه دولت عثمانی و عهد
 میکند که بموجب عهدنامه های سابقه ایتانیکه
 لازم باشد در حق زوار ایرانی اجبر و
 تا از هر نوع تعذبات بری بوده بتوانند بحال
 امنیت محله های بسار که در آن در ممالک
 دولت عثمانیست زیارت کنند و همچنین
 تعهد میکند که براد است حکام و ناکیه روابط
 دوستی و اتحاد که لازم است فیما بین دو

دولت اسلام و بقیه طرفین برقرار باشد
 مناسب ترین وسائل را استحضال نمایند
 تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه
 بجمع امتیازات نائل میباشند سایر
 بقیه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره
 بوده خواه در تجارت و خواه در مواد سایر
 از هر نوع ظلم و تعدی بی حرمتی محفوظ باشند
 و علاوه بر این بایوزهایسکه از طرف دولت
 ایران برای منافع تجارت و حمایت بقیه تجار

ایرانیه بجمع محلهای ممالک عثمانیه که لازم
 باشد نصب و تعیین شود بغیر از که مکرر و پیش
 منوره دولت عثمانیه قبول نمایند و میکنند
 که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و
 ماموریت بایوزهای مذکوره باشد در حق
 قونسولهای سایر دول متحابه جاری میشود
 در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران
 تقدیم میکنند که بایوزهایسکه از طرف دولت
 عثمانیه بجمع محلهای ممالک ایرانیه که لازم

بیاد نصب و تعیین شود و در آنجا در وقت
و تجارت دولت عثمانیه که در مالک ایران
میکند معامله متقابل را کمالا جبری
فقره هجتم دولتین علیتین اسلام
تقد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت
و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباش
تا بایر لازم اتخاذ و اجری کنند و بهین
در محلهای مناسب عسکراقامت خواهند
داد و دولتین علیتین تقد میکنند که از عهد

هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب غارت
و قتل که در ارضی یکدیگر وقوع باید برآ
قرار داده اند عشایر یکدیگر متنازع فیها
و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص تجارت
و تعیین کردن محلی که بعد ازین دانا اقامت
خواهند کرد یک دفعه باراده اختیار خودشان
حواله شود و عشایر یکدیگر تبعیت آنها معلوم
جبرا با ارضی دولت متوجه آنها داخل
شوند فقره نهم جمع مواد و فصل

معاہدات سابقہ خصوص معاہدہ کہ در
 درازنہ الروم منقذ شدہ کہ مخصوص
 باین معاہدہ حاضرہ الفا و تقنیہ نشدہ
 مثل اینکه کلمہ بکلمہ دین صحیفہ مندرج شدہ
 باشد کافہ احکام و قوت آن ابقا شدہ
 و فیما بین دو دولت علیہ قرار داد شدہ
 کہ بعد از مبادلہ این معاہدہ در ظرف
 دو ماہ یا کمتر مدتی از جانب دولتین
 قبول و امضا شدہ تصدیق نامہای آنرا

بماد

مبادلہ خواہند کرد و کان ذلک
 فی ایوم السادس عشر من شهر جادی الثانی
 ۱۲۶۳

در دوازده اختلاف طران صورت انطباق
 پذیرفت



سیران و لعل کشته بر اندک عقیقه راه مراد نه گرفته اند
 آنانی که در دوزخ بودند و از بهشت و از بهشت و از بهشت و از بهشت
 یعنی که گهستان آن عشق دولت عید ایران دارد و چگونه
 عید درم و ابرو درم بعد از این شخص خوانده شود و دولت عید درم
 ازین رات بطورین که با این سر را بنده همان حکم زمام دولت عید
 صاحب خواجه و از دست کردن درم و دیه سیاقه را از آن که
 زبانه اند و بعد با این مرد دولت عید درم از طریق و از طریق
 از برای تحریک و از برای جگر که از آن دولت عید ایران که از
 در دوزخ و از برای غیره اند و خط العرب و خط اسلام خط
 سرحدات و این که از این بعضی به بند و به بند و به بند و به بند
 یکدیگر است و از برای سر و در دوزخ و از برای سر و در دوزخ
 ایات سرحدات و دولت و پیرات حر است بکار اندازد و این
 خدش در سرحدات و از برای سر و در دوزخ و از برای سر و در دوزخ
 هر آنست و از برای ایات و از برای ایات یکدیگر که در دوزخ و از برای

بیانات و احداث که در نظر و افکار مردم و سر و سر و سر و سر
 بنامه و از این طریق غیر از افکار و افکار و افکار و افکار
 که یکدیگر را بر سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 مقدر و البت بر سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 دولت عید ایران که تبار دولت عید ایران بر هر یک که الی التبار
 خود را از قرار عید و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 کار و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 از دوزخ و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 بخیر و کمال التبار و در دست و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر
 اجناف و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
 و از برای سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر

بعضی روخ رات مطوین که با سینه در هم می رسد سیه خیزد
 نقد به دیگر از طریق توقف و ترک خواب و چسبند قنات خنده
 از نه آردم که تیر که نه لفظ فطرس از خواب و حب اید و در
 شش هر دستار ما است بچسب اعلام برای که نه گمان درین
 قنات نه درجه این صفه را قبل فروز بن رضا که از این قنار
 ظاهر شد

در این کتاب
 از بعضی روخ رات مطوین که با سینه در هم می رسد سیه خیزد
 نقد به دیگر از طریق توقف و ترک خواب و چسبند قنات خنده
 از نه آردم که تیر که نه لفظ فطرس از خواب و حب اید و در
 شش هر دستار ما است بچسب اعلام برای که نه گمان درین
 قنات نه درجه این صفه را قبل فروز بن رضا که از این قنار
 ظاهر شد

آن قرار گرفت و بعضی باشند که بکس خود گفته باشند بفرستند و بکار آید
 حاکم ایران که بمالک دولت روم آمد و وقت غایب بمقتضای عهد صلح
 و ستان معاهده در آنجا او را محضوظ داشتند و او همسیر در باب
 که فاین دولتی علی بن عثمان فیه و اکزن و فاک روم شد اگر بحد و ایران
 بجا نبرد و حاکم ستان در ظرف سرحد در آن بعد ازین وقت صاحب ثبات
 گفت نمایند و هرگاه برضا و شهادت غایب ایران نمایند سرحد در آن
 روم تصاحب و قبول نمایند و هرگاه بعد از آنکه بجا ک ایران سرحد در آن روم
 حاکم ستان ضرر برساند سرحد در آن ایران وقت بفرستد بجا و نقطه آنها را تعیین
 و دو چهارم بر بزرگ شریط قدیم و این تعیین بفرار طرفین را تصاحب و قبول
 نمایند و این از غایت صلح و عهد روم بود پس ایران و دولت پیش
 و ایات که میرند تصاحب و قبول نمایند و او همسیر است که ایاتی روحی
 در آنجا بجا ک در مالک متصرف دولت علیه معرفت حاکم شرع و قیوت
 ایران

مرد و نوشته شده معرفت حاکم شرع و معرفت علیه ایران از تاریخ عهد نامه
 تهنیت در بستانان تهنیت نمود و از حجاج و وزیر ایران چنانچه در راه و سایر
 حکام و ایات بفرستد بعنوان جبر و ترک داشته و بفرستد غایب که بجا ک
 و حاکم شرع ثبات و عا و نموده بعد از ثبات شرع از دولت علیه
 احوال ایران معترف شده و فرمان در خصوص سرحد اول ایران از دولت
 صادر شود و او همسیر هرگز از مالک دولت علیه ایران در بجا و روم دولت
 و حاکم شرع تهنیت نمود و این بجا ک مالک ترک او و معرفت حاکم شرع و طریقی
 که بفرستد ایران داشته شود و بلامان بجا ک حفظ نمایند تا دولت بجا ک
 پای و بجا ک بجا ک تهنیت نمایند و روم عا و راحه فاین مال ک بجا ک ایران
 از قضا بوز و یافت شود و بفرستد و اگر بجا ک و ارشاد بجا ک شرعیان
 ترک محفوظه در بجا ک مال را بفرستد و بفرستد از محفوظه نمایند تا دولت بجا ک
 او پای و اگر از مالک دولت علیه روم در مالک ایران غایت بجا ک بجا ک

عمر است و بعد ازین جانب نیز هفتاد و شش بار است و اختلاف نصف است
ملکانه و در آنجا هم و عدم تحقیق این است علیه السلام و در آنجا
نمی گنجد به چهاره قوام و دویم نیز است و در آنجا هم و در آنجا
برقرار و با شش و ده و در آنجا هم و در آنجا هم و در آنجا هم
کس در آنجا هم و در آنجا هم و در آنجا هم و در آنجا هم

أحمد الدين محمد بن محمد

[illegible]

برج صاحب بنجه مطین زمان در خارج محنت کین صاحب حشر ابراهیم
دیس اهلک ایران خداوند الارضین کلفت الاسلام و امین سلطان بن ا
بن سلطان و صفی خان بن اخوان خان بن احمد شاه قاجار به ابد ایم
سلطه از طرف قریب شهرت خود علیا به مقرب افغان میرزا جعفر خان صاحب
علی که منصوره و پسر محضه علی علیه ایران در دریا عثمانیه صاحب نشان در مقابل
صورت تایید و نشان اول نیز در خورشید بر سر صاحب و علیا فخر نیز در رخ
و نشان در جدول افشار علی عثمانیه را در خدمت پادشاه به کار و مخصوص
و ایک مطلق بخدا نفعه همچون برادر عزیز است و نائب خرد و سلطنت سکوة
و نشان و نشان جلالت سلطان حنا این پادشاه که بنام مهر نشان در ایام
و در سلطنت بقای و بعد از محضرت ثانی در مرد میرزا و صاحب خیرا ملک و
میرزا جلال است از طرف خود میسر آن در دیو و علیا کرد صاحب نشان بسیار
مهر و ممتاز و بر تاج پادشاه ملک سپاهین صاحب نشان میرزا سلطان

[illegible]

نادر چهارم را که جانب امیراطرف فرشته و پادشاه ایلان و خورشید افروز
 طایفه رومی و زنگی و کربان و جعفر خاکی ایران برادر پادشاه که خود لازم و قادر و
 فرخنده کتیبه بنور در اجراء و تمام از جمع خاک ایران فراخ کف و بلندی ترا کرد
 کشور ایران غایب و چنانچه بر سرینا بر سرینا صحن غایب این شریف از خیمه شریف
 ایشان قرار داد و بطریق هر درخت خود در خصوص کوتا هر غایب کمال غم در
 باب غنای غم زود و غم غم و لازم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 قرین اثر غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 آنکه در دهان غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 بر غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 جهان را از غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 فرات تعلیم و غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 و پادشاه ایلان با غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم

بود و به حسب ایران رسال غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 امیراطراف غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 که بطریق غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 ساپ و به حسب غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 فیصل معتبر غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 صوب ایران غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 نادر غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 آنحضرت غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 قران غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 که غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 که غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم
 آنحضرت غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم غم

[illegible][illegible]

و البته بشنید موقوف است بر آنکه محمد ابا و ایما و ولایت علیه ایران در بعضی از اهل
خاندان را در عالم را بر پادشاهی اقتضای امر و حضرت عبودیتان بدین حد
محمد و درین خصوص فیما بین و حقین علقین ایران و در این مقصد راه عبودیت
و کسیت لکن آثار آنکه مقتدر بوده باشد و اینکه در خارج و ضروریات نشان کلام
راه و کلام منزل پادشاه را که شود چه مقدار سپاه ایران همراه باشد به این قرار
و البته باین و حضرت علم حضرت پادشاه عبادت ایران روانه شد و آن ششم دور
خصوصی انجیل پادشاه و حضرت شاهان و هر چه در مطالع و علم و حکمت و تجربه
و در این باره است بقصد انجیل بنده محمد و موقوف است بعضی از ایا و اوقات
و آن نشانده عالم پناه است و ما در سیر دهم آنکه هر که بجهت کشیده رفتند در
عبودیت و در ایران بعضی از پادشاهان و در بعضی از پادشاهان و در بعضی از پادشاهان
در فرزند باز یافتند و همچنین هر که در این حد پادشاهان از راه و حکمت و تجربه
و بعضی از پادشاهان و در بعضی از پادشاهان و در بعضی از پادشاهان و در بعضی از پادشاهان

اگه ابلان با این فرودنده از قدرت ایران نخواهد بایست غایب و ده چهارم
 انکه شرط کرد که در او از دهم قدم شده محض دولت فرانسه با دولت روسیه
 و انگلیس هیچ مصلحتی را نخواهد بود و از او قرار داد نشود و در هیچ سمت با این راه عبور
 نخواهد داد و در دهم انکه بجهت آمدن رفت تجار بنابر شافع و طین و امور ملقه
 تجارت در درازای طرآن بجای پارسا که محضرت باشد هر خرد شده قرار
 داد و بجهت آمدن از او که آمده نشود و در دهم در دین بحدود مردم غایب و ده
 انکه ان شاء الله تعالی این عهد نامه در درازای طرآن بعد از چهار دین تاریخ تبدیل
 شده و رضای همه پارسا که محضرت قدرت را بین شهرتین شده و از
 دولت فرانسه و دیگر خانبه پادشاه رضای همه ایشان تمام و دایره است
 و از تحریر او را در دو خانبه پادشاه اعظم که محضرت بجهت بفرموده محضرت
 در دهم ۱۲ ام حجة المصطفیة ۱۱۰۰ م و در آن روز است و در دهم

ایام سلطه با باده برسم سعادت با ناله های نوا پادشاه و در آستان
سپهر ناز و شرف از در فتنه عتبه علیه اعظم قدرت نصرت
که در جنت جهان و اور فیه مکر مملکت یار و جزو اعظم بنده خرد و
انجم خدمت مالک قایم با هم عزت اسلام و مسلمین و عهده دین
قربان اما در وطن شیرازی جماعت را که در خیمه اثر ایران و دولت ارا
شرق و قائم سلطان ملک ابوالجواد که در وادی دولت نامشیرین
مهر و مهر اشراف پادشاه و امیر اعظم ایران در تین الحیرت و انت
وکیل مطلق و معتقد محمد بود و از طرف پیر شافیه پیر راه و کوا
نیز با همان رفیع صاحبان با هم و عدالت بنامان عزت و دولت
حجرت و جنت صراحتان مقبوله ایان صدر الزورای اعظم معتقد بود
ایستاده ایامه و نیز احمد شمس و وزیر و امیر اسلام اعظم امین اعظم
ایستاده ایامه و نیز احمد شمس و وزیر و امیر اسلام اعظم امین اعظم

بر هر چندستان قشون و لشکر در دگر ایستاده باشد و قیود از آن حضرت
 ادب را در دست ایران در قریه خارک یا بر دیگر از هر چه آن نزول کرده باشد
 بهیچ وجه بر آن وجه و تصرف در آنجا کرده و از آنجا هیچ عهده نمیدهند قشون مذکور
 در تحت این را در دست ایران باشد اگر چه از غیر ایالت و دیار است
 چنانچه در وقت و لحظه و هر آنکه سران قشون قشون مذکور را در دست
 هندستان ضرورت آید بهر چه در دست ایران خوانند بر سر آمدند و در آن
 قشون را بجا دارند و اگر خوانند و اندک هندستان نمایند و در بعضی قشون بگویند
 پس بگویند و در هر چند عهده و عهده و عهده بر سر قیادت و در آن
 باز یافت نمایند هر کس که از قشون مذکور بخواهد در دست ایران در قریه
 خارک یا بر دیگر از هر چه آن توقف نمایند یا در جانب خارک از آن دست
 ایران کمال خفت و مهر بایست بآن عهده که بکلام بر این بنام در قریه
 قریه نمایند که هر قدر میبایست و از آن وقت بر قشون مذکور ضرورت و در کار باشد



بسیار و قریه عاده وقت باین فروخت قیمت باز یافت نمایند هر کس که
 جنگ و ترس و فتنه و دست ایران و افغان اتفاق افتد و یا در دست ایران
 در آن بیانه کار نیست و هیچ طرف اعانت و امداد نخواهند کرد و هر یک از این
 طرفین و هر کس که در عهده است این عهده چنانچه بر سر عهده و عهده و عهده
 و در هر چند عهده شرط است که با دیگر این عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 الالهین برقرار است و یا در دست ایران در دست ایران عهده و عهده و عهده
 در هر چند عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 طایفه و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 بیرون یا بر سر دست عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 این عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 از هر دو عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده
 عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده و عهده

کجا خود بیکدیگر دانه و دانه و حق امر متعلق مصباحه مبارکه بنام خورشیدشان عظمی قمر
 و بموجب خستیا زنا حجابات طرفین قید و فضول شرط مرقومه ذیل را الهام
 و مستقرب و بهتر در سیرایم همدان که بعد ازین امور جانک و عداوت و دشمنی
 که بهال دین چنین عینین در روسیه و ایران بود بموجب این عهدنامه الهام
 سرتاک و مقطوع و در ایت مصاحبه اکید و در توافق شده و دین علیحضرت
 خورشید رقیبت باشد و الاجاب و شیرکت امپراطور کرم محاکم روسیه و در
 قدرت پادشاه عظمی محاکم ایران و در ایت و عهدان عظمی و میان دین
 عینین لایق پایه و رسولک و ابراهیم و فخر و دین و چون بیشتر بموجب الهام و
 طرفین قبول در رضا و دین عینین شده است که هر است مصاحبه و در سرتاک
 و در سیرایم غیر و طرفین در هر وضع و حال که الهام و اوصاحی الهامیه بوده
 از زهد و ربات و عامر و اهلک و نایب خویش نیش که حال و حرکت ضبط و
 هر یک از دینین بهیچا کان و ضبط و اخبار لایق عینانه و دین لایق

لعل آفتاب زاده صدق در استی صد و ولایت طمش فرور از آفتاب
 انبساط و در هر چه بداند تقدیر این صلح نامه در پادشاهان عظمی
 و هندستان مأموره که موجب قبول و وفای یکدیگر و عوفت سرداران
 چنین جبال و دهستانه و دودریا و داکه و دوقطیفین و قنبر و قنبر
 و تخمین میانه از این معلوم بقیه ضمیمه آنچه در حال تحریر این صلح نامه در
 وقت تصرف چنین به معلوم نموده آن وقت خلاصه و ولایت
 بر اسطوکر و سرزمین مسخر و معین و هر یک از طیفین و قنبر و قنبر
 بر سران و خواجگان و محققان در هر ضلعت مذکوره فرق اگر چه در خلاصه این
 بهر معنی و در هر یک از طرفین هر یک از طرفین طمش و سرزمین
 رضوانه و او قنبر سیم و حضرت قمر قدرت پادشاه عظمی که در
 محاکم ایران بهر صورت و هر دو فای که بهر صورت و هر یک از
 عظمی هر یک از محاکم و در هر یک از این محاکم بهر صورت و هر یک از

سایه

شاه ایران و ولایت قراغ و کجنگه که الان معلوم به سلطان
 و کجنگه و این چنین است و سروران و قنبر و درین و با کوبه و هر یک از ولایت
 طمش را با این که الان در تحت تصرف دولت و در هر یک از
 و کجنگه و محاکم و هر یک از این و کوبه و کجنگه و کجنگه
 و در هر یک از این و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 و الان قنبر و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 در هر یک از این و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 محاکم و در هر یک از این و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 محاکم ایران و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 محاکم ایران و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه
 غایب اند از خود و عرض و بیعت عظمی و هر یک از این و کجنگه و کجنگه
 عظمی و این که در هر یک از این و کجنگه و کجنگه و کجنگه و کجنگه

طریقین تعیین کردن و زیاده از ده نفر نخواهند داشت و این
 باغ را شایسته مورد رعایت کرده با حال این بیکم در جهت زیاده این
 که بر عیال طرفین عاید شود و بعضی اظهار کرده اند که در صورتی که این
 چنین داده شود ضرر است و در باب آنکه در این باب رعایت
 میان مالکین و عین اذن داده شود که اگر از آنجا که بخواهند
 اینکه در این باب رعایت مصلحت مصلحت هر کسی رسیده و بجا معقول
 است و عیال این بیکم از دست خود میسر و در این امر که در گذشت
 است و البته با این در طریق بجهت مالک این است و در این
 است و هر کسی که در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است
 مالک رسیده و رعایت این در این است و در این است
 بر این است و در این است و در این است و در این است

طریق

طریقین تعیین کرده و او را به این جهت است و در این است
 نزد عالم انبار شده بود و در این است و در این است
 او را از این است و در این است و در این است
 قرض و در این است و در این است و در این است
 این بیکم از دست و در این است و در این است
 که در دست این بیکم از دست و در این است و در این است
 بر این است و در این است و در این است و در این است
 مالک رسیده و رعایت این در این است و در این است
 رعایت این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است
 احوال معقول و در این است و در این است و در این است
 خواهد که احوال معقول را اتمام بخشد و در این است و در این است

عزیمت و قتل بر سر می خواهد بود و اما باینکه سرانجام و مجرای اینها چیست بر آن است
 قتل بر این خواهد داشت چون سرحد و ملک آنها در خط قدس است یعنی چه در آن خط
 دادند که شهرت از زمین را به ملک که جزو است بر سر حد و طرف دیگر آنها را بر آن
 از طرف دیگر هر خط سرحد را بقدر که قریه به ملک است که در آن خط و در آن طرف را از آن
 از آن طرف منتهی می کنند و چون در آن خط و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 نیز خط سرحد را منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 که ملک را از آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 بر طبق همان خط و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 است و منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 سرحد و ملک خط سرحد را منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند
 و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند و در آن طرف منتهی می کنند

[illegible]

بد کرد تو مان راج فرود گرفت که ببارست در پست یون مایه غیر نادر
 و طوکان و کوسه در این فصل این وجه در قرار داد عیال که همان قرقه
 و آقا جراد است که گویا اصفی بقطر درین عهد منزه بود که از منبر است
 معین خویش صدر مقام چون عیال منزه بود که باریک منزه و لایق و آینه
 مایه این فرزند خوش مزاج و عیال را از اهل بیت و در شرف و در حق
 تعین که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 صادق و غیره که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 واضح و آینه که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 عیال منزه را از اهل بیت و در شرف و در حق تعین که در پست یون مایه غیر نادر
 بحث است بر مایه که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 مایه این اتفاق خواهد داشت که ببارست بر سر در فرزند و طوکان و کوسه
 کنی در آن فرزند عیال و در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر

دینی

کشتی تجارت ایران را اتفاق خواهد بود که ببارست بر سر در فرزند و طوکان و کوسه
 در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 و عیال منزه را از اهل بیت و در شرف و در حق تعین که در پست یون مایه غیر نادر
 با آن قرار است اتفاق در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 از در اهل بیت و در شرف و در حق تعین که در پست یون مایه غیر نادر
 در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 و عیال منزه را از اهل بیت و در شرف و در حق تعین که در پست یون مایه غیر نادر
 عیال منزه را از اهل بیت و در شرف و در حق تعین که در پست یون مایه غیر نادر
 بحث است بر مایه که در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر
 مایه این اتفاق خواهد داشت که ببارست بر سر در فرزند و طوکان و کوسه
 کنی در آن فرزند عیال و در پست یون مایه غیر نادر که در پست یون مایه غیر نادر

